

پژوهشنامه حکمت اهل بیت (علیهم السلام)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه معارف اسلامی - دانشگاه اصفهان
سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۶ - ۲۵
اعلام وصول: ۱۳۹۲/۳/۲۲، پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۷

بررسی دیدگاه‌های ایمانوئل کانت در موضوع اخلاق و آموزه‌های اخلاق مدارانه امام محمدباقر(ع)

سیدهادی طباطبایی * عبدالله نصری **

چکیده

ایمانوئل کانت (Immanuel Kant) فیلسوف شهیر آلمانی، در مبانی اندیشه خود، به بحث اخلاق توجه کرده است. وی با ترسیم منظومه فکری خود، بر این باور است که اخلاق مداری فراتر از هر گونه امر طبیعی یا مافوق طبیعی است. وی با تلاشی که در راستای خلوص اخلاق به انجام رسانده، بر این رای حکم کرده که تنها و تنها اراده خیر است که می‌تواند به دور از هر شائبه غیر اخلاقی باشد. امام محمدباقر(ع) از جمله ائمه معصومی است که در آموزه‌های خود، بر موضوع اخلاق مداری تاکید فراوان کرده است. امام باقر در مقایسه با کانت، از مرحله‌ای متعالی‌تر در اخلاق، سخن به میان می‌آورد. بررسی دیدگاه‌های امام باقر(ع) و کانت، ما را به فهم صحیح‌تری از نسبت اخلاق و دین نیز رهنمون می‌کند.

واژه‌های کلیدی

امام محمدباقر(ع)، ایمانوئل کانت، اخلاق، دین، تکلیف.

* پژوهشگر فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Tabatabaie_hadi@yahoo.com

** استاد، گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران nasri_a32@yahoo.com

ایمانوئل کانت، فیلسوف شهیر آلمانی، از جمله اندیشمندانی است که در بحث اخلاق وارد شده است. وی نظامی را ترتیب داده و به واسطه آن، جایگاه اخلاق را در مبانی فکری خود، به نحو مشخصی، تعیین کرده است. تمامی تلاش کانت بر آن بوده است که از جوانبی به اخلاق نظر کند که به عنوان قانونی جهان شمول معرفی شود. در آموزه‌های امامان شیعه نیز، بر اخلاق‌مداری، توجه و تاکید بسیار شده است. امامان شیعه در زمانه‌ای می‌زیستند که کمتر اجازه نشر عقاید خود را داشتند. روش خلفای بنی‌امیه بر آن بود که با اتخاذ شیوه‌های زورگویانه، مردم را از اندیشه اهل‌بیت (ع) دور نگه دارند. به همین علت، ائمه معصوم (ع) تلاش می‌کردند که هر یک به شیوه‌ای، در پرورش عقاید دینی همت گمارند. امام باقر (ع) نیز در زمانه‌ای می‌زیست که حاکمیت بنی‌امیه مستقر بود و آنان بی‌مهری‌های مضاعفی، در حق امام پنجم و شیعیان ایشان روا می‌داشتند. اما امام باقر (ع) با به کار بستن شیوه‌های تربیتی، تلاش می‌کردند که فضا را برای ترویج اندیشه‌های امام پس از خود فراهم کنند. ایشان بستری را ایجاد کردند که امام صادق (ع)، با استفاده از آن، توانستند بسیاری از معارف اهل‌بیت را بر زبان بیاورند و آن را انتشار دهند. فقه به جای مانده از امام صادق (ع)، بی‌شک پیامد ایجاد فضایی است که امام باقر (ع) آن را محیا کرده بودند. امام باقر (ع) علاوه بر ترویج سایر آموزه‌های شیعه، بر اخلاق‌مداری تاکید فراوان می‌کردند. رعایت موازین اخلاقی، از مهم‌ترین آموزه‌های امام پنجم شیعیان بود. مقایسه آموزه‌هایی که قرن‌ها پیش توصیه شده است، با آنچه امروزه به عنوان اندیشه‌ای مدرن عرضه می‌شود، رسالتی است که می‌تواند گره‌گشایی‌های بسیاری را به همراه آورد.

کانت با ذکر مقدماتی فلسفی، به تبیین جایگاه اخلاق پرداخته است. وی کوشیده است برای نیل به نتیجه نهایی، از سخن خود، گام به گام پیش رود و به غایت اندیشه خود در بحث اخلاق، نائل شود. بر خلاف پیشینیان که به واسطه اثبات خداوند و تاکید بر بقای نفس، به این نتیجه می‌رسیدند که انسان مکلف به تکالیف اخلاقی است، کانت با تغییر در این روند، مکلف بودن انسان را به تکالیف اخلاقی، یقینی دانسته است؛ سپس بقای نفس را از آن نتیجه گرفته است (فروغی، ۱۳۵۸: ۳۸۵). وی ابتدا به اثبات ضرورت اخلاقی حکم کرده و سپس، به این نتیجه رسیده که اثبات اخلاق، نیازمند ظرف و جایگاهی است که آن را نفس می‌نامیم.

کانت بر این باور بوده است که حفاظت از قانون اخلاقی، به واسطه ذات خود اخلاق انجام می‌شود. تمامیت قانون اخلاقی غایتی بوده که در ذات آن است؛ یعنی ارزش قانون اخلاقی در خود آن است. به این علت که قانون اخلاقی خود، غایت خویش است. حال اگر پرسش شود که این غایت چیست؟ کانت پاسخ داده است که هر یک از افراد انسان و هر موجود عاقلی، به خودی خود، یک غایت محسوب می‌شود. به زعم کانت، موجود عاقل به عنوان غایت فی نفسه، می‌تواند مبنای یک اصل اخلاقی قرار گیرد. با این مبناست که کانت استنباط کرده است: چنان رفتار کن که انسانیت را چه در شخص خود و چه در دیگران، همواره و در عین حال به عنوان غایت و نه وسیله صرف، تلقی کنی (کاپلستون، ۱۳۷۵: ۳۵۵). با این تبیین، به نظر می‌رسد که کانت انسان را فی نفسه، غایت می‌دانسته است؛ چرا که اراده هر فرد منشأ قانون اخلاقی و نظام بخش قانون کلی اخلاقی است. وی اراده نیک را نیز، برترین خیر اخلاقی می‌دانسته است.

اراده نیک برترین خیر اخلاقی

کانت بر این اعتقاد بوده است که باید دید، صفت مشترک احکام اخلاقی که آن‌ها را از احکام دیگر متمایز می‌کند، چیست؟ همچنین، مفهومی که سایر مفاهیم اخلاقی را در دل خود جای می‌دهد و تعیین کننده قدر و اعتبار رفتار آدمی است کدام است؟ وی در پاسخ به این پرسش بدین نتیجه رسیده است که «نیت» و «اراده نیک» همان خیر محض است و به نحو مطلق، می‌توان آن را خیر مطلق نیز نامید. وی در بخش اول از کتاب مبانی مابعدالطبیعه اخلاق، عنوان کرده که محال است چیزی را تصور کرد که بدون قید و شرط، خیر باشد؛ مگر فقط اراده نیک و خیر را (محمدرضایی، ۱۳۷۹: ۱۵۵). به باور کانت، همه امور دنیوی امکان سوءاستفاده دارند و می‌توان از اعمال نیک، استفاده‌های غیر اخلاقی برد. فقط و فقط از اراده و نیت خیرخواهانه است که نمی‌توان سوءاستفاده کرد. آن گونه که فردیک کاپلستون (Frederick Copleston) در تبیین این ایده کانت بیان کرده است: «... دارایی‌های خارجی مانند ثروت، ممکن است مورد سوءاستعمال واقع شود؛ از این رو، خیر بدون قید و شرط نیست... مجرمان هم ممکن است از استعدادهای عالی ذهن خود سوءاستفاده کنند. سجایای اخلاقی مثل شجاعت نیز همین گونه است و می‌توان از آن‌ها برای غایات شر استفاده کرد؛ اما اراده نیک ممکن نیست در هیچ وضعی بد یا شر باشد و خیر مطلق و بدون قید و شرط است» (کاپلستون، ۱۳۷۵: ۳۲۳).

اموری را که مردم به طور معمول خیر می‌دانند مانند هوش، شجاعت، ثروت و قدرت، در بسیاری از مواقع خیرند؛ ولی در همه اوضاع و موقعیت‌ها خیر نیستند؛ یعنی هنگامی که اراده بد آن‌ها را به کار می‌گیرد، به طور کامل بد می‌شوند. بنابراین آن‌ها خیرهای مشروط هستند. از این رو، آن‌ها در وضع خاصی خیرند، نه به طور مطلق.

تنها اراده خیر می‌تواند خیر فی نفسه یا خیر مطلق و غیر مشروط باشد. پس اراده خیر، اراده‌ای است که در هر وضعی که پیش آید خیر است (paton, 1953: 34).

تکلیف

از اینجاست که کانت به مفهوم تکلیف نیز رهنمون شده است. وی برای روشن کردن ماهیت اراده خیر، از مفهوم تکلیف کمک گرفته است. کانت اراده‌ای را خیر دانسته است که از روی تکلیف، به انجام رسیده باشد. به نظر کانت، تکلیف به معنای ضرورت عمل کردن از سر احترام به قانون است (کانت، ۱۹۷۲: ۶۰). تنها عملی ارزش اخلاقی دارد که به منظور ادای تکلیف انجام شود. به عنوان مثال، اگر فرد سوداگری برای رونق بازار کار خود، انصاف را رعایت کند، عمل او فاقد ارزش اخلاقی خواهد بود؛ زیرا او انگیزه‌ای به جز ادای تکلیف داشته است (ماهرزاده، ۱۳۷۹: ۱۵۶). به تعبیر کانت، عمل هنگامی واجد شرایط اخلاقی است که به منظور ادای تکلیف انجام شود (دیوید راس، ۱۳۹۳: ۲۲). وی گامی دیگر نیز به پیش نهاده و عنوان کرده است، برای اینکه فعل ارزش اخلاقی داشته باشد، نباید تنها مطابق با تکلیف باشد؛ بلکه باید از سر تکلیف انجام شود. کانت در این خصوص گفته است: تا آنجا که فعل فقط از سر تمایل یا حتی از سر میل عقلانی به سعادت انجام شود، هیچ ارزش اخلاقی نخواهد داشت (محمدرضایی، ۱۳۷۹: ۵۵).

کانت برای تبیین این موضع خود، مثالی را عنوان کرده است؛ وی گفته است حفظ نفس تکلیف است و هر کسی تمایل به آن دارد. اگر کسی از جان خود، از روی میل و نه به عنوان وظیفه، محافظت کرد عملی مطابق تکلیف انجام داده است و حال آنکه هستند کسانی که چون از زندگی خسته می‌شوند، اقدام به

عقابی در نظر بگیرد نیز، امری ضروری است (ر ک میرچا الیاده، ۱۳۷۴: ۱۲).

جایگاه اخلاق در آموزه‌های امام محمدباقر (ع)

در کلام امام باقر (ع)، اخلاق را می‌توان در دو ساحت بررسی کرد. امام در پاره‌ای مواقع، اخلاق‌مداری را هم عرض با دینداری دانسته‌اند و در برخی مواقع، اخلاق را نتیجه و ثمره دینداری به حساب آورده‌اند.

اخلاق‌مداری در کنار دینداری یکی از راه‌های نجات

از آموزه‌های امام باقر (ع)، می‌توان این نکته را دریافت که اخلاق ارج و قرب فراوانی دارد. امام در بسیاری از مواقع، هرگاه که از دینداری سخن گفته‌اند، بحث اخلاق‌مداری را پیش کشیده‌اند. ایشان در تفسیر سخنی از پیامبر اکرم (ص)، اخلاق را برابر با اسلام دانسته‌اند و این دو را در کنار هم تفسیر کرده‌اند. از رسول خدا (ص) نقل شده است که: گرامی‌ترین شما در جاهلیت، گرامی‌ترینتان در اسلام است (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۰۷). با توجه به اینکه اسلام نبی مکرم، پس از جاهلیت عرضه شد و در آن زمانه، طلب اسلام امری خلاف معقول به نظر می‌رسید، تفسیر این سخن بر بسیاری نامکشوف مانده بود. این سخن به خدمت امام باقر (ع) عرضه شد. امام (ع) در پاسخ به این پرسش فرمودند: گرامی‌ترین شما در اسلام یعنی کسی که در جاهلیت، خوش اخلاق‌ترین و بخشنده‌ترین و خوش رفتارترین فرد در مقابل همسایه بود و اذیتش به هیچ کس نمی‌رسید و نزدیک‌ترین اشخاص به مردم بود (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۰۷).

خودکشی می‌کنند؛ ولی اگر در همان حال، به عنوان وظیفه، از خودکشی منصرف شوند، عمل ایشان اخلاقی است؛ بدان علت که حفظ وجود تکلیف است (ماهرزاده، ۱۳۷۹: ۱۵۶). کانت با این نگاه به فعل اخلاقی، عنوان می‌کند که جز ادای تکلیف، هر نوع انگیزه اخلاقی طرد شدنی و انکار کردنی است. به عنوان مثال، اگر ما از کمک کردن به مردم لذت ببریم و در پی کسب این لذت باشیم، عمل ما ارزش اخلاقی ندارد. در عین حال، اگر کمک به مردم به قصد ادای تکلیف باشد، آنگاه است که فعلی اخلاقی رخ داده است. به عقیده کانت، ارزش اخلاقی زمانی است که آن عمل به قصد ادای تکلیف انجام شود.

تکلیف مقدمه‌ای برای دینداری

کانت با طرح این مقدمه‌ها، به این نتیجه رسیده است که ادای تکلیف نیز، باید با در نظر گرفتن موجودی باشد که تمامی قوانین اخلاقی را طرح و ایجاد کرده است. در نظر کانت، دین حقیقی عبارت است از اینکه در تمام تکالیف خود، خدا را به عنوان واضع کلی قانون در نظر آوریم. احترام به ساحت خداوندی، به این معنا است که قانون اخلاقی را اطاعت کنیم و برای ادای تکلیف عمل کنیم. کانت بر این باور بوده است که اخلاق به دلیل خود، هرگز نیازی به دین ندارد؛ بلکه خودکفا و خودبسند است. اما بر اساس عقلی تنها و خودبسند، مشکل می‌توان به تعهدات اخلاقی نائل آمد. وی معتقد به نظریه استقلال اخلاق، در برابر دین بوده است. کانت بر این نظریه تاکید کرده که درک قوانین اخلاقی، مستقل از باور به دین است. اما او به این نیز معتقد بوده که وجود خداوندی که بتواند برای این اعمال، پاداش یا

این گونه تفسیر از سخن پیامبر(ص)، نشان می‌دهد که امام باقر(ع) چگونه اخلاق را هم عرض با اسلام قرار داده‌اند و در کنار هم نشانده‌اند. در نظر امام باقر(ع)، اخلاق نیز می‌تواند باعث نجات آدمی باشد؛ همان گونه که اسلام نیز عامل نجات قلمداد می‌شود. این کلام امام(ع) در جاهای دیگری نیز تکرار شده است. این سخن نشان از شرافت اخلاقی و منزلت والای آن در نگاه امام باقر(ع) دارد. امام همچنین، در بیان ویژگی‌های فرد مومن، بر اصولی انگشت نهاده‌اند که از برابری اخلاق‌مداری و دینداری در نظر ایشان نشان دارد. در توصیف اهل ایمان، امام(ع) بر مبانی اشاره کرده‌اند که فارغ از امور دینی، صبغه تمام اخلاقی دارد. در بیان ارتباط میان اهل ایمان، ایشان این گونه بیان کرده‌اند که مومن برادر مومن است. به او دشنام نمی‌دهد، از او چیزی را مضایقه نمی‌کند و به او گمان بد نمی‌برد (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۲۷). در نظر امام باقر(ع)، ملاک‌های تشخیص فرد مومن، به گونه‌ای ترسیم شده‌اند که در قرابت تام با اخلاق‌مداری قرار می‌گیرند. اگر ملاک‌های اخلاقی و موازین حسن خلق در کسی یافت شود، می‌تواند فردی مومن تلقی شود.

در روایتی آمده که جابر از امام باقر(ع) نقل کرده است: لقمان به فرزندش فرمود: فرزندم! با صد نفر همنشینی و رفاقت کن و با یک تن دشمنی نکن. فرزندم! تنها «بهره» و «اخلاق»، برای تو مفید و سودمند است؛ بهره‌ات دین توست و اخلاقت رابطه میان تو و مردم (بروجردی، بی‌تا: ۱۱۳۹). جایگاه اصلی اخلاق‌مداری در آموزه‌های امام باقر(ع)، در این روایت دیده می‌شود که ایشان حتی، قیام مهدی موعود(عج) را در راستای تکمیل اخلاق بشر دانسته‌اند. وقتی قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌های آنان را به هم پیوند می‌دهد و اخلاق آنان را کامل می‌کند (راوندی، بی‌تا: ۵۷۳).

باقر آل محمد(ع) اخلاق‌مداری را تنها راه رسیدن به دینداری و کسب رضای خداوند می‌داند. در نظر امام(ع)، اخلاق‌مداری نزدیک‌ترین راه رسیدن به خداوند است. ایشان بر این باورند که باری تعالی، دوستدار مدارا کردن با مردم است. اگر این صفت اخلاقی در فردی ایجاد شود، می‌تواند به کسب رضایت خداوند هم امیدوار باشد. در حدیثی از ایشان نقل شده است که: برای من دستاویز و وسیله‌ای، بهتر از دراز کردن دست احسان به سوی دیگران، برای نزدیک‌تر شدن به خداوند نیست (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۲۷). امام(ع) حتی در بیانی آشکار، اخلاق‌مداری را در کنار امور دینی قرار داده‌اند و برای آن، ثوابی معادل با فرائض دینی در نظر گرفته‌اند. ایشان بیان کرده‌اند که: بنده با اخلاق نیکو، در نزد خداوند، به درجه روزه‌دار شب زنده‌دار می‌رسد (طبرسی، بی‌تا: ۴۷۱). در سخنی دیگر، نزدیک به این مضمون بیان کرده‌اند که: شرافت مومن، نماز او در شب است و شما همواره با مردم، با نیکی و اخلاق خوب معاشرت کنید (طبرسی، بی‌تا: ۲۰۸).

امام باقر(ع) رفتارهای اخلاقی را موهبتی از جانب خداوند دانسته‌اند و بر این نکته تاکید کرده‌اند که خداوند است که عمل اخلاقی را بر انسان عرضه می‌کند. برید بن معاویه عجلای از امام باقر(ع) روایت کرده است که پیامبر(ص) فرمودند: خدای متعال می‌فرماید کار نیک هدیه‌ای از جانب من، به سوی بنده مومن خودم است؛ پس اگر آن را پذیرفت، این از رحمت و جانب من است و اگر آن را رد کرد، به علت گناه خودش از آن محروم شده است. این محرومیت از خود اوست نه از من (شیخ مفید، بی‌تا: ۲۲۸). در آموزه‌های امام باقر(ع)، ارتباط میان اخلاق و دین، بسیار نزدیک و در کنار هم ترسیم شده است. امام هر گاه از فرائض دینی سخن گفته، از

حرانی، بی تا: ۵۲۷). در نظر امام، حتی کسی که به مرحله ایمان رسیده است، اگر به تعهدهای اخلاقی مقید نشود، ایمان خود را از دست می دهد. در نظر امام باقر (ع) بروز ایمان به واسطه امور اخلاقی است.

امام هر جا از امور دینی پرده برداشته و منزلت امور دینی را بیان کرده، تذکر داده اند که بروز امور دینی، به واسطه امور اخلاقی است. اگر امر اخلاقی در فردی بروز یابد، می تواند امیدوار باشد که امر دینی او نیز مقبول بوده است. به نظر می رسد، در آموزه های امام باقر (ع)، اخلاق مداری جایگاه ویژه ای دارد. ایشان پیش فرض دینداری را عمل به مقیدات اخلاقی می دانند. امام باقر (ع) بروز و جلوه ایمان را نیز در رفتارهای اخلاقی و مدارای مردمی شناخته اند. در نظر امام (ع)، نمی توان کسی را مومن نامید؛ مگر آنکه اخلاق در او نهادینه شود و با عیال الله به نیکی در آمیزد.

منزلت فرد اخلاقی

امام باقر (ع) بر این باور بوده اند که آدمی به ذات انسانی خود، باید با مردم معاشرت و ترک عزلت و گوشه نشینی کند. ایشان بر روش مدارای میان خلق، تاکید فراوان کرده اند. امام باقر (ع) همان گونه که اخلاق مداری را دارای مرتبه متعالی دانسته و آن را در کنار دینداری قرار داده، خو گیرندگان به اخلاق را نیز ارج گذاشته و آنان را بر صدر نشانده اند. در بسیاری مواقع، امام از منزلت یک فرد اخلاقی سخن گفته و جایگاه او را برای پیروان ترسیم کرده اند.

الف. مردانگی: صفت اخلاق مداری چنان در نظر امام (ع) برجسته است که ایشان در توصیف بسیاری از صفات نیک، موضع اخلاق مداری را پیش کشیده اند. یکی از این صفات مردانگی است. روایت شده است که روزی امام باقر (ع) به آنان که در محضرش بودند

محسنات اخلاقی هم سخنی به میان آورده اند. در پاره ای مواقع، حتی برای اعمال اخلاقی ثواب های معادل با فرائض دینی در نظر گرفته اند. امام با این روش، ارتباط تنگاتنگ میان دینداری و اخلاق مداری را ترسیم کرده اند.

اخلاق مداری ثمره دینداری

در بسیاری از آموزه های رسیده از امام باقر (ع)، اخلاق مداری نتیجه و ثمره دینداری به حساب آمده است. امام بر این باور بوده اند که ظهور امر دینی، جز به وجود محسنات اخلاقی آشکار نمی شود. امام بر این سخن، بارها تاکید کرده اند که فردی دیندار شناخته نمی شود، مگر با انجام رفتارهای اخلاقی.

امام باقر (ع)، زینت اسلام را اخلاق مداری و حسن سلوک اخلاقی دانسته اند. ایشان بر این باور بوده اند: از اصولی که به اسلام زینت می بخشد خوش اخلاقی با مردم است (ابن شعبه حرانی، بی تا: ۵۰۹)؛ سپس تاکید کرده اند: پاس دارید خوش اخلاقی و حسن سلوک و اخلاق پسندیده را؛ زیرا اخلاق نیک و سلوک پسندیده، شما را در نزد مردم زینت می بخشد (ابن شعبه حرانی، بی تا: ۵۰۹). تعبیر «زینت اسلام» در شناخت منزلت اخلاق، بسیار راه گشاست. امام از اخلاق، به عنوان زینت و زیور اسلام یاد کرده اند؛ پس این گونه می توان، به ظرافت نگاه ایشان پی برد. در نظر امام (ع) اخلاق مداری جلوه ای از حضور ایمان است. ایشان هر کجا، از ثمره ایمان و جلوه های آن سخن گفته اند، بر امر اخلاقی نیز تاکید کرده اند. امام ملاک ایمان را اخلاق مداری دانسته اند و بر این باور بوده اند که تا زمانی، اخلاق مداری در فردی ایجاد نشده است، نمی تواند به وادی ایمان وارد شود. همچنین، از نظر امام، فردی که داعیه ایمان دارد، با خطای اخلاقی ایمان بر او پوشیده می ماند. ایشان بر این مهم تاکید کرده اند که: بدخویی نصیب هر که شد، ایمان از او پوشیده ماند (ابن شعبه

فرمودند: مردانگی چیست؟ هر یک اظهار نظری کرد. آنگاه امام(ع) فرمودند: مردانگی آن است که زیاده نخواهی که خوار گردی و اظهار فقر نمایی که تهیدست گردی و بُخل نوری که دشنام شنوی و نابخردی نکنی که دشمنی یابی (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۱۹). رعایت چنین اخلاق حمیده‌ای، به تعبیر امام(ع)، باعث می‌شود که فرد در نظر دیگران چونان مشکی در عطرها جلوه کند. امام در بیان صفت مردانگی نیز، اخلاق‌مداری و التزام به امور اخلاقی را در نظر داشته‌اند. این تعبیر امام(ع)، بیانگر جایگاه برگزیده‌ای است که ایشان برای یک فرد اخلاقی در نظر گرفته‌اند.

ب. برگزیده خداوند: در آموزه‌های امام باقر(ع) فرد با اخلاق، برگزیده خداوند است. آنان کسانی هستند که دیگران به طرفشان می‌روند و از احسانشان بهره می‌برند. امام(ع) در ترسیم وجاهت این گونه افراد، بیان کرده‌اند: همانا خداوند برای احسان و نیکویی، گروهی از بندگانش را برگزیده است. آنان را دوستدار احسان و دوستدار نیکوکاری قرار داده و جویندگان احسان را به سوی آنان راهی کرده و برآوردن نیاز ایشان را بر نیکوکاران آسان کرده است (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۲۳). امام در تشبیهی، این افراد را به بارانی همانند کرده‌اند که زمین‌های خشک را جان دوباره‌ای می‌بخشند (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۲۳). این افراد مایه برکت روی زمین‌اند.

ج. خردمندان: در تعالیم امام باقر(ع)، خردمندان حقیقی نیز افرادی هستند که مقام ادب را نگه می‌دارند و بر رعایت موازین اخلاقی، پای می‌فشرند. در نگاه امام، توجه به رعایت موازین اخلاقی تا بدانجاست که ایشان بی‌اخلاقی را ثمره نادانی دانسته‌اند. ایشان از قول رسول‌الله(ص) نقل کرده که فرموده‌اند: بهترین شما خردمندان هستند. عرض شد یا رسول‌الله خردمندان چه کسانی‌اند؟ فرمودند: دارندگان اخلاق نیکو، بردباران متین، صله ارحام گزاران، نیکوکاران در برابر مادر و پدر،

احوالپرسان از فقرا و همسایگان و یتیمان و آنان که طعام خوراند و سلام را در جهان آشکار کنند (کلینی، بی‌تا: ۳۳۷). امام نه تنها ثمره دینداری را در اخلاق‌مداری دانسته‌اند، بلکه حتی ملاک دانایی و خردورزی را نیز، در منش اخلاقی بیان کرده‌اند. پیش فرض دانایی، اخلاق‌مداری است و جز به این دارو، نادانی رخت بر نمی‌بندد. امام تاکید کرده‌اند که هیچ بنده‌ای دانا نشود مگر اینکه به فرا دست خود رشک نبرد و فرو دست خویش را خوار نشمارد (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۱۲).

د. عامل نجات: در نظر امام باقر(ع)، رعایت حرمت اخلاقی چنان برجسته است که آن را عامل اصلی نجات بشر دانسته‌اند. ایشان روایتی را از نبی مکرّم اسلام(ص) نقل کرده که در آن، عامل رهایی از مرگ را اخلاق‌مداری و رعایت ویژگی‌های اخلاقی دانسته‌اند. ابوعبیده حدّاً از امام باقر(ع) نقل می‌کند که فرموده‌اند: اسیرانی را نزد پیامبر(ص) آوردند، نبی مکرّم از میان آن‌ها یک نفر را آزاد کرد. آن اسیر گفت: ای پیامبر خدا چگونه از میان آن‌ها مرا آزاد کردی؟ فرمودند: جبرئیل از سوی خداوند به من خبر داد که در تو پنج خصلت است که خدا و پیامبرش آن‌ها را دوست دارند: غیرت شدید بر خانواده‌ات، سخاوت، اخلاق نیکو، راستگویی و شجاعت. چون آن مرد این سخن را شنید مسلمان شد و اسلام نیکویی یافت و همراه با پیامبر خدا(ص)، به سختی جنگید تا شهید شد (ابن بابویه، بی‌تا: ۱۱). این سخن به درستی بر ما معلوم می‌کند که اخلاق‌مداری در صدر آموزه‌های دینی می‌نشیند و تاکید امامان طاهر(ع) و رسول گرامی(ص) را نیز در پی دارد.

و. ملاک شیعه بودن: امام باقر(ع) حتی ملاک شیعه بودن را در منش اخلاقی دانسته‌اند. ایشان تاکید کرده‌اند که قَوْلَ اللَّهِ مَا شِيعَتْنَا إِلَّا مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ. به خدا قسم کسی از شیعیان ما محسوب نمی‌شود مگر اینکه از خدا تبعیت کند (کلینی، بی‌تا: ۳۸۸)؛ اما سفارش کرده‌اند که: به دوستان ما اعلام کنید که به مقام و

ثمره اخلاق‌مداری

در آموزه‌های امام باقر(ع)، رعایت موازین اخلاقی، هم ثمره دنیوی دارد و هم اجر اخروی. امام در بیانات خویش، بر این مهم تاکید فراوان کرده‌اند که اخلاق‌مداری برکت‌های دنیوی نیز به همراه دارد. در نظر امام، رعایت موازین اخلاقی، به نحو تکوینی در زندگی آدمی اثر می‌کند و سود عدیله‌ای را برای آدمی به ارمغان می‌آورد. در نظر ایشان، ارتباط خویشاوندی کردارها را پاکیزه و دارایی را فزون و گرفتاری را دور می‌کند؛ همچنین، حساب روز جزا را آسان می‌کند و مرگ را عقب می‌اندازد (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۳۳). امام باقر(ع) رعایت حقوق اخلاقی را باعث رهایی از بسیاری گره‌های دنیوی دانسته و ارتباط خویشاوندی را سبب ساز دارایی فزون‌تر دانسته‌اند که این ارتباط مرگ را به تعویق می‌اندازد. همچنین در جای دیگری، بر این مهم تاکید کرده‌اند که: کسی که راست گفتار است، پاک کردار شود و کسی که نیک نیت است، روزی‌اش فزونی شود و آن کس که با خانواده‌اش خوش رفتار است، عمرش فزونی یابد (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۲۵).

امام همچنان که رعایت موازین اخلاقی را برابر با برکات دنیوی دانسته، رعایت نکردن اخلاق را نیز موجب سختی‌های دنیوی و ناکامی‌هایی در امور بشری دانسته‌اند. از ایشان نقل شده است: سه صفت است که صاحب آن صفات هرگز نمی‌میرد تا اینکه عذاب و گرفتاری آن صفات را ببیند؛ سه صفت ستم و قطع رابطه خویشاوندی و سوگند دروغین که ستیز با خداست. بی‌گمان، ارتباط خویشاوندی طاعتی است که پاداش آن زودتر از دیگر طاعت‌ها می‌رسد. به راستی، اگر چه قومی طغیانگر و گنهکار باشند، ولی صله رحم کنند، دارایی آنان زیاد می‌شود و توانگر می‌شوند. همانا سوگند دروغ و قطع ارتباط خویشاوندی، شهرها را خالی از سکنه و بی‌نشاط می‌کند (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۲۳).

منزلت والا نمی‌رسند، جز با رفتار نیک (مجلسی، بی‌تا: ۵۵/۶۵). در نظر ایشان، پیروان آل محمد(ص) کسانی هستند که از اخلاق حمیده‌ای برخوردارند. فیض الاسلام در شرح عبارتی از صحیفه سجادیه، عبارتی را از قول امام باقر(ع) نقل می‌کند که اوج منزلت اخلاقی را در نظر امام(ع) نشان می‌دهد. ابو اسمعیل می‌گوید که به حضرت باقر(ع) عرضه داشتیم: شیعه و پیروان شما آل محمد (ص)، نزد ما بسیار است، ایشان فرمودند که: آیا به ندار مهربانی می‌کنند؟ آیا در میان آن قوم، نیکوکاران از بدکاران می‌گذرند؟ آیا به یکدیگر کمک می‌کنند؟ عرضه داشتیم نه؛ فرمودند: آنان شیعه نیستند، شیعه کسی است که این کارها را به جا می‌آورد (فیض‌الاسلام، بی‌تا: ۱۷۷).

این سخن نشان می‌دهد که صرف یک اعتقاد، نمی‌تواند عامل نجات بخشی برای انسان شود. در نظر امام(ع)، ثمره اعتقاد و ایمان می‌بایست در رفتار افراد بروز کند. نشانه آن نیز به صورت افعال اخلاقی تجسم پیدا می‌کند. ایشان همچنین، در جایی دیگر، از ملاک شیعه بودن پرده برداشته‌اند و آن را در تقیّدات امر اخلاقی ترسیم کرده‌اند. امام(ع) این گونه فرموده‌اند که: به راستی شیعیان علی(ع) آن‌ها هستند که در راه ولایت ما در برابر یکدیگر فداکاری کنند و در دوستی ما، به یکدیگر مهر ورزند و برای بر پا داری امر ما به دیدار هم روند. آنان که چون خشم گیرند ستم نورزند و چون خشنود گردند زیاده روی نکنند. آنان برکت همسایگی و آسودگی هم‌نشینان هستند (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۳۵). ایشان همچنین تاکید کرده‌اند که از شیعیان ما نیستند، جز آنان که پرهیزگاری از خدای در پیش گیرند و فرمانش برند و آنان شناخته نمی‌شوند جز به فروتنی و خشوع و باز پس دادن امانت و یاد کردن بسیار خداوند... (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۱۲). در این روایت نیز، ثمره دینداری بروز حسن‌های اخلاقی است.

حدیثی فرموده‌اند: به راستی افسوس خورنده‌ترین مردم در رستاخیز، بنده‌ای است که عدالت را توصیف کرده و خود در حق دیگری، بر خلاف عدالت عمل کند (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۱۳). در نظر امام باقر(ع)، ملزم بودن به مبانی اخلاقی و رعایت آموزه‌های انسانی، سبب ساز نزدیکی به خداوند است. ایشان در جای جای سخنان خود، بر این نکته انگشت نهاده‌اند که دینداری عامل برتری انسان‌ها نزد خداوند است؛ اما بروز و ظهور ایمان، در اعمال اخلاقی و مدارای دنیوی است. ایشان حتی چهره شاداب و خوشرویی را عامل نزدیک کننده به خدا دانسته و چهره عبوس و گرفته را دشمنی آور و دور کننده از باری تعالی به حساب آورده‌اند (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۲۷). امام در آموزه‌های خود، بارها بر این نکته تاکید کرده‌اند که اخلاق‌مداری هم ثمره دنیوی دارد و هم اجر اخروی. برکت دنیوی آن در رزق فراوان، تعویق افتادن مرگ و نزدیک شدن دل‌هاست. اجر اخروی آن نیز، نزدیک شدن به مرتبه‌اعلای آخرت است.

وجه اشتراک اندیشه‌های کانت و آموزه‌های امام باقر(ع)

ایمانوئل کانت با تاکید بر ارج و قرب انسان، بر این باور بوده است که هر یک از افراد انسان و هر موجود عاقلی، به خودی خود، یک غایت محسوب می‌شود. طبق این ایده بوده که وی حکم کرده است چنان رفتار کن که انسانیت را چه در شخص خود و چه در دیگران، همواره به عنوان غایت و نه وسیله صرف تلقی کنی. وی به قانون اخلاقی حکم داده و بر این باور بوده است که قوانین اخلاقی باید به گونه‌ای باشد که یک قانون کلی آن را بپذیرد و تایید کند. کانت بر اخلاق، فارغ از هر گونه دستاویز دیگری، تاکید کرده است. وی در تئوری‌های خود، بر این رای انگشت تایید نهاده است که به اخلاق،

امام بر این مهم تاکید کرده‌اند که نظام هستی دارای قواعدی است و اگر این قواعد رعایت شده و اساس آن قبول شود، زندگانی نیکی را برای آدمی به ارمغان می‌آورد. سرپیچی از این قواعد نیز، سختی‌های دنیوی را موجب می‌شود. ایشان بر آوردن امور دیگران و رسیدگی به حوائج مسلمانان را از اعمالی دانسته‌اند که ثمره دنیوی به همراه دارد. امام باقر(ع) تاکید کرده‌اند که هیچ بنده‌ای از یاری رساندن به برادر مسلمان خود و تلاش برای بر آوردن حاجت او، بر آورده شود یا نشود، سر باز نمی‌زند؛ مگر آنکه گرفتار تلاش برای نیاز کسی شود که نه تنها پاداشی ندارد بلکه باعث گناه می‌شود. همچنین، هیچ بنده‌ای در صرف هزینه، برای آنچه موجب خشنودی خداست بخل نمی‌ورزد؛ مگر اینکه چندین برابر آن را خرج می‌کند و موجب خشم خدا نیز می‌شود (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۲۱).

این گفتار امام نشان می‌دهد که عمل به یک وظیفه اخلاقی، چگونه می‌تواند در زندگی دنیوی، مایه برکت شود و ملزم نبودن به اخلاق‌مداری، چگونه صعوبت‌های دنیوی را نیز به همراه می‌آورد. امام در ترسیم فضایل اخلاقی، همواره تاکید کرده‌اند که: منش اخلاقی سبب می‌شود تا هم در دنیا و هم در آخرت، ثمره‌ای نصیب آدمی شود. ایشان با برشمردن گونه‌ای دیگر از موازین اخلاقی، بیان کرده‌اند سه کردار هم در نیا و هم در آخرت، ارزشمند است: از آن کس که بر تو ستم ورزیده است، درگذری و با آن کس که با تو قطع رابطه کرده است، رابطه برقرار کنی و با آن که بر تو جهل ورزیده است، بردباری کنی (ابن شعبه حرانی، بی‌تا: ۵۱۹).

ملزم نبودن به موازین اخلاقی، نه تنها محرومیت از برکات دنیوی را به همراه دارد، بلکه افسوس آخرت را نیز باعث می‌شود. امام(ع) بر این نکته نیز تاکید کرده‌اند که اگر رعایت حقوق برادر خود را نکنی، ندامت روز آخرت را نیز خواهی داشت. ایشان در

فارغ از هر گونه مسئله دیگری، باید توجه و تاکید کرد.

این موضع کانت بی‌شبهت به آموزه‌های امام باقر(ع) نیست. امام محمدباقر نیز، در مرحله‌ای از اخلاق، بر این باور بوده‌اند که به اخلاق‌مداری، باید پیش از دینداری توجه کرد. امام تاکید کرده‌اند که در مرحله‌ای از اخلاق، نیازی به آموزه‌های دیگر نیست و آدمی به طور فطری، به جانب اخلاق میل می‌کند. زمانی که از امام پرسش کرده‌اند دیندارترین ما کیست؟ پاسخ داده‌اند هر آن کس که اخلاقی‌تر عمل کند، به عمل دینی نیز نزدیک‌تر است. در نظر امام نیز، پیش از رسیدن به مرتبه دینداری، می‌باید به اخلاقی عمل کرد که تایید شده و به صورت قانونی کلی، به تصویب رسیده است. امام باقر زمانی که از قیام مهدی موعود سخن گفته، آن را نیز تبیین اخلاقی کرده‌اند. این گونه مواضع امام، یعنی تایید اخلاق‌مداری پیش از دینداری، هم قدم با رای کانت است. کانت بر این باور بوده است که دایره احکام اخلاقی را می‌باید به گونه‌ای ترسیم کرد که فارغ از هر گونه امر بیرونی باشد. به تعبیر او، اعمال اخلاقی فقط و فقط به خاطر خود به انجام می‌رسند و هیچ امری فراتر از آن، نباید در عمل اخلاقی دخیل شود. این گونه موضع کانت، یاد آور همان پاسخ امام باقر است که درباره دینداران در زمان جاهلیت سخن گفته‌اند. امام نیز بدون هیچ گونه اشاره‌ای به دینداری و آداب شرعی، بر اخلاقی مهر تایید زده‌اند که هیچ وابستگی به دینداری ندارد. ایشان در مواضع دیگری نیز بر اخلاق‌مداری، فارغ از دینداری حکم کرده‌اند.

تعالی اخلاقی در دیدگاه امام باقر(ع)

۱. تئوری‌های ایمانویل کانت در نمونه‌هایی هم قدم با مواضع امام است؛ اما به نظر می‌رسد که امام باقر(ع) در جاهایی دیگر، پا را فراتر نهاده و از اخلاقی سخن به میان آورده‌اند که ثمره دینداری است. ایشان از اخلاقی سخن گفته‌اند که از دینداری ناشی شده است.

امام از این گونه اخلاق که ثمره دینداری است با نام «زینت اسلام» یاد کرده‌اند. این جنبه از اخلاق است که آن را ملاک ایمان ورزی نیز قلمداد کرده‌اند. امام در بسیاری از آموزه‌های خود، دینداری را منتج به نتایج دانسته‌اند که کمتر اخلاق‌گرای، می‌تواند بدان دست یابد. امام بر این رای مُهر صحنه نهاده‌اند که از نتایج دینداری، گرایش به اخلاق‌مداری است. بسیاری از احکام اخلاقی، فی‌نفسه تایید شده است؛ اما مرتبه‌ای والاتر نیز وجود دارد که فقط و فقط، از طریق دینداری حاصل می‌شود و آن نحوه‌ای از اخلاق‌مداری است که امام باقر نیز بدان حکم داده‌اند.

۲. کانت با استدلال‌های فلسفی، کوشیده است تا ایده‌های اخلاقی خود را بسط دهد. وی توجهی به نظام اجتماعی نکرده و بر اساس مبانی تئوریک، به اخلاق نظر کرده است. وی بر این باور بوده است که فلسفه اخلاق نه با انسان‌شناسی آمیزش دارد و نه با الهیات و نه با علم طبیعی و نه با قوای غیر طبیعی (سایت راسخون، احمد حسین شریفی: <http://rasekhoon.net/article/show>). این ایده در مقابل آموزه‌های امام است که از دل جامعه، نحوه‌ای از اخلاق‌مداری را توصیه کرده‌اند. امام باقر(ع) به صرف تئوری پردازی بسنده نکرده و به صفات اخلاقی، در ارتباط با جامعه، توجه کرده‌اند. ایشان بارها پس از ذکر محاسن اخلاقی، عنوان کرده‌اند که چنین ویژگی‌های اخلاقی، باعث می‌شود که فرد در جامعه تحسین شود؛ یا به تعبیری دیگر: فرد در نظر دیگران، چونان مشکی در عطرها جلوه کند. امام باقر(ع) با تاکید بر این مسئله که آدمی به ذات انسانی خود، باید با مردم معاشرت و ترک عزلت و گوشه نشینی کند، بر روشی اخلاقی توصیه کرده‌اند که برای جامعه نیز درک کردنی و فهمیدنی باشد.

۳. ایمانوئل کانت بر آن بوده است که با نشان دادن اسلوبی، بیان کند که اراده نیک می‌تواند مقام اخلاق را

پاس دارد. کانت اما برای این امر، محاسنی در نظر نیاورده است. وی با رویکردی وظیفه‌گرایانه، بر آن بوده که آدمی مکلف است به مقام اخلاق توجه کند، بدون اینکه بر محاسن اخلاق‌مداری چشم داشته باشد. به نظر می‌رسد که ذات آدمی با بر شمردن ثمره و فایده هر عمل، می‌تواند بدان میل و رغبت نشان دهد. با این تبیین، ایده‌های کانت در حد یک تئوری سازی باقی مانده است. اما امام باقر(ع)، با برشمردن فواید دنیوی و اجر اخروی اخلاق‌مداری، به تبیین و ترویج اخلاق همت گمارده‌اند. به نظر می‌رسد که آموزه‌های امام در این خصوص، می‌تواند فراگیرتر و به فطرت آدمی نزدیک‌تر باشد.

۴. کانت با اشاره به «اراده نیک»، به عنوان مقبول‌ترین عمل اخلاقی، بر آن بوده است تا به گوهری دست یابد. گوهری که هیچ‌گزندی بر آن وارد نباشد؛ اما وی با طرح این موضوع، بر روی امری نسبی و غیر یقینی انگشت گذاشته است. به نظر می‌رسد که نیت آدمی، هیچ‌گاه نمی‌تواند ملاک داوری اخلاقی باشد. نیت افراد هیچ‌گاه نمی‌تواند استعداد تشخیص، برای افراد دیگر داشته باشد. این در حالی است که روابط اخلاقی می‌باید وجه متمایز، در روابط انسانی شود. با معیاری که کانت بیان کرده است نمی‌توان فردی را اخلاقی یا غیر اخلاقی نامید. کانت با طرح این شاخص، هیچ‌گرهی را در داوری اخلاقی نگشوده است. اما امام باقر(ع)، با بر شمردن ویژگی‌های عدیده‌ای، کوشیده‌اند میان فرد اخلاقی و غیر اخلاقی تمایز قائل شوند. ایشان الگویی نیز، برای جامعه ترسیم کرده‌اند.

نتیجه

در مقایسه بین تئوری‌های کانت و آموزه‌های امام باقر(ع)، باید چنین حکم کرد که این فیلسوف شهیر آلمانی، از لایه‌هایی از اخلاق سخن می‌گوید. این

لایه‌های اخلاقی بدون تمسک به دینداری نیز در دسترس است. در این مرحله، امام باقر(ع) نیز توصیه‌هایی را بیان کرده که اخلاق را فراتر از امور دینی و سفارش‌های شرعی قلمداد کرده‌اند. اما امام باقر(ع) علاوه بر اینکه از این مرتبه از اخلاق‌مداری سخن به میان آورده و بر آن مهر صحنه نهاده، از مرتبه‌ای متعالی‌تر نیز سخن گفته‌اند. از این مرحله متعالی، در منظومه فکری کانت، غفلت شده است. این مرحله‌ای است که فرد دیندار، به اخلاقی دست می‌یابد که به غیر از طریقت دینی، نمی‌توان سراغی از آن گرفت. امام باقر با تاکید بر آموزه‌های دینی، بر عرصه اجتماعی اخلاق نیز تاکید کرده‌اند. ایشان با نگاهی کاربردی به اخلاق توجه کرده‌اند. اما اندیشه‌های کانت، از این حیث نیز غافل شده است.

منابع

- . ابن بابویه، محمد بن علی. (بی‌تا). الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر.
- . ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (بی‌تا). تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: آل علی(ع).
- . احمدی، حبیب‌الله. (۱۳۸۵). امام باقر(ع) الگوی زندگی، بی‌جا: فاطیما.
- . الیاده، میرچا. (۱۳۷۴). فرهنگ و دین (مجموعه مقالات)، زیر نظر بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: طرح نو.
- . بروجردی، سیدحسین. (بی‌تا). جامع احادیث شیعه، ترجمه عده‌ای از فضلا، تهران: فرهنگ سبز.
- . شعیری، محمد بن محمد. (بی‌تا). جامع الاخبار، نجف: مطبعه الحیدریه.
- . صانعی دره‌بیدی، منوچهر. (۱۳۷۷). فلسفه اخلاق و مبتای رفتار، تهران: سروش.
- . الصغیر، محمد حسین علی. (۲۰۰۲م/۱۴۲۳ق). الامام الباقر(ع) مجدد الحضاره الاسلامیه، بیروت: موسسه العارف المطبوعات.

- . طبرسی، علی بن حسن (بی تا). مشکاه الانوار، ترجمه عطاردی قوچانی، تهران: عطارد.
- . فروغی، محمدعلی. (۱۳۹۱). سیر حکمت در اروپا، تهران: زوار.
- . فیض الاسلام، علی نقی. (بی تا). ترجمه و شرح صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)، تهران: فقیه.
- . قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله. (بی تا). اعجاز معصومین (ع)، ترجمه غلامحسن محرمی، قم: اسلامی.
- . کاپلستون، فردریک. (۱۳۷۵). تاریخ فلسفه از ولف تا کانت، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران: سروش.
- . کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا). اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: علمیه اسلامی.
- . کورنر، اشتفان. (بی تا). فلسفه کانت، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
- . ماهروزاده، طیبه. (۱۳۷۹). فلسفه تربیتی کانا، تهران: سروش.
- . مدرسی، سیدمحمدتقی. (۱۴۱۰). الامام الباقر (ع) قدوه و اسوه، طبعه الاولى، بی جا: مکتب العلمیه المدرسی.
- . مجلسی، محمدباقر. (بی تا). بحار الانوار، ترجمه عطاردی قوچانی، تهران: عطاردی.
- . محمدرضایی، محمد. (۱۳۷۹). تبیین و نقد فلسفه اخلاقی کانت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- . مفید، محمد بن محمد. (بی تا). الامالی، ترجمه حسین استاد ولی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- . هادی منش، ابوالفضل. (۱۳۸۳). آفاق اندیشه؛ نگاهی به زندگانی امام محمدباقر (ع)، تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما.

لاتین

- Paton h.j the categorical imperative London Hutchinsons university library 1953
-Kant imaanuel ground work if metaphysic of morals London Hutchinson university library 1972.

Study of Immanuel Kant's Viewpoints about Morality and Imam Muhammad al-Baqir's Ethical Teachings (AS)

Seyyed Hadi Tabatabaei*
Abdolah Nasri**

Abstract

German philosopher, Immanuel Kant (1724-1804), has considered the topic of morality in his philosophy. He believed that morality is beyond any natural or supernatural deed. In view of his efforts to purify morality, Kant believed that the good will is the only thing that can be free of any immoral deeds. Imam Muhammad al-Baqir (AS) is one of the Shiite imams who has emphasized significantly on the morality in his teachings. The extent of morality in Imam's teachings not only covers the Kant's ideas but also speak of a higher level. Study of perspectives and ideas of these two thinkers would lead us to a better understanding of the relation between morality and religion.

Keywords: Imam Muhammad al- Baqir, Immanuel Kant, Duty, Morality, Religion

* M. A. in Islamic Philosophy, University of Alameh Tabatbaei, Iran.

** Professor, Islamic Philosophy, University of Alameh Tabatbaei, Iran.